



ویژه نامه روز جهانی زن

در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۵

اولمپ دوگورژ

حرکت انقلابی زنان در دوران قاجاریه

زن که باشی

خشونت بر زنان از زبان آمارها

پاسخ یک زن در مقابل یک سؤال

به یاد اسیا جبار

اولین تاکسی در ایران

نوروز و جشن‌های ایرانی

آشیان ویران

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه فوریه ۲۰۱۵

جلسه عمومی انجمن در ماه فوریه با خیر مقدم و تشکر مسئول انجمن از اعضای حاضر در جلسه که برای دومین ماه در محل جدید (Ivry) برگزار می شود، شروع شد. مسئول انجمن خبر داد که امسال جشن نوروز طبق روال هر سال برگزار خواهد شد و در پی تلاش ها و جستجوی هیئت مدیره قدیم و فعلی، قرارداد سالتی بسیار مجلل و شیک با تجهیزات کامل در نزدیکی پاریس در ابتدای شهر Villejuif که از ظرفیت بالایی برخوردار است، به امضاء رسیده است و در ضمن بلیط های جشن نوروز طراحی و چاپ شده و آماده پخش در همین جلسه می باشد و متقاضیان می توانند برای تهیه بلیط به هیئت مدیره پس از پایان جلسه عمومی این ماه مراجعه بکنند. مسئول انجمن ادامه داد که در صورتی که بلیط های جشن نوروز باقی بماند و تمام نشود فقط تا ماه مارس در جلسه عمومی انجمن در اختیار اعضا قرار می گیرد و این تاریخ آخرین مهلت تهیه بلیط می باشد. وی همچنین خاطرنشان کرد که اگر عضوی پس از تهیه بلیط، بنا به دلایلی نمی تواند در جشن حضور داشته باشد، بلیط ها باید به هیئت مدیره پس داده شود و تهیه و تعویض بلیط بین اعضا بطور کلی ممنوع می باشد.

در ادامه جلسه عمومی انجمن، سخنگوی انجمن اظهار داشت که برای بالا بردن کیفیت جلسات و ایجاد نظم و ترتیب و تقسیم مسئولیت ها، خسرو عضو دیگر هیئت مدیره، مسئول سالن جلسات عمومی انجمن می باشد و اعضای محترم می توانند اگر سؤال یا مشکلی در رابطه با سالن و جلسات عمومی انجمن مشاهده می کنند با ایشان در میان بگذارند.

سخنگوی هیئت مدیره سپس از مهمانان جلسه که دو نماینده شرکت بیمه Allianz بودند دعوت کرد که توضیحات لازم را در موارد بیمه ارائه دهند که این دو نماینده بیمه Allianz بطور کلی در باره سه مطلب اصلی که عبارت بود از:

- 1- Complémentaire santé (Adulte/Enfant)
- 2- Prévoyance Evolution
- 3- Retraite

توضیحات مفید و کاملی در اختیار اعضای انجمن قرار دادند و متذکر شدند که به علت تفاوت موقعیت فردی و وضعیت شغلی و سنی اعضای انجمن، بهتر است که هر عضوی بطور فردی با آنها تماس بگیرد تا اطلاعات لازم از نظر بیمه و بودجه مربوطه برای آنها محاسبه شود. در ادامه بحث دو نماینده بیمه، مظفر عضو هیئت مدیره از اهمیت بیمه Mutuelle و استفاده آن مطالبی ایراد کرد و یادآوری نمود که این نوع بیمه برای ما در موارد بیماری و از کارافتادگی بسیار مفید و لازم می باشد.

مرحله بعدی جلسه عمومی انجمن اختصاص به معرفی یک خانم ایرانی توسط دو عضو خانم هیئت مدیره سابق به اعضای حاضر در جلسه بود. بنا به تحقیقات این خانم، در ماه نوامبر سال گذشته، به علت اختلافات خانوادگی به روی دو زن و دو فرزند آنها که یکی کودک خردسال است توسط شوهر و برادر شوهر آنها اسید پاشیده شده است که جراحات وخیمی به صورت آنها وارد و بر اثر شدید بودن جراحات یکی از آنها بینائی خود را کاملاً از دست می دهد. شرایط مالی این دو نفر مساعد نیست و هزینه های جراحی و درمانی بسیار سنگین است. این خانم خیر پس از شرح ماجرا، از اعضای حاضر در جلسه تقاضای کمک و مساعدت مالی کرد که با استقبال خیلی خوب اعضای انجمن مواجه گردید و مبلغ چشمگیری توسط اعضای انجمن جمع آوری شد.

در مرحله آخر جلسه عمومی انجمن، مسئول انجمن در باره ماهنامه انجمن خاطرنشان کرد که اعضای انجمن می توانند مطالب و مقالات جالب و خواندنی زیادی در ماهنامه پیدا بکنند که باعث بالا بردن سطح آگاهی و اطلاعات آنها در مسائل مختلف و مخصوصاً شغلی می شود. در ادامه جلسه مسئول انجمن افزود کسانی که مایل به همکاری برای برگزاری جشن نوروز یا «روز جهانی زن» هستند می توانند در کمیته های مربوطه ثبت نام کرده تا برای برنامه ریزی های لازم از کمک های این اعضای داوطلب، استفاده مفید بشود. در ضمن کلیه همسران اعضای انجمن و همراهان آنها در شب

رفتن پشت تریبون را نیز داشته باشند. او در روزهای مه - ژوئن سال ۱۷۹۳ دستگیر و سوم نوامبر ۱۷۹۳ با گیوتین اعدام شد.

او آثار زیادی در مورد حقوق مدنی و سیاسی زنان و الغاء برده‌داری سیاهان نوشته است. او برای ازدواج سنتی صورتی که در آن زمان وجود داشت و نیز امضاء قرارداد ازدواج هم از جانب زن و هم مرد و نیز شناسائی کودکانی که خارج از ازدواج بدنیا می‌آمدند، مبارزه می‌کرد و از نخستین زنانی بود که نظام حفاظت از مادران و کودکان را پیشنهاد کرد. او قبل از اینکه سرش قطع شود فریاد می‌زد: به من بیاندیشید و کارهایی را که به نفع زنان انجام داده‌ام، به یاد آورید. من مطمئنم که روزی پیروز خواهیم شد.

دلیل رسمی و اتهامی که محکومیت او را به اعدام سبب شد، مخالفت و اعتراض وی به مجازات اعدام بود!!
یادش گرامی

اولمپ دوگوژ نویسنده و فعال حقوق زنان و از پیشگامان مخالف حکم اعدام که سرش با این مخالفت در انقلاب فرانسه بزیر تیغ گیوتین رفت

سوسن

XXXXXXXXXX

حرکت انقلابی زنان در دوران قاجاریه

در دوره قاجاریه زمان احمدشاه وزیر مختار ایران از امریکا خواست کارشناسی برای استخدام در دولت ایران به منظور اصلاح امور مالی دولت نوپای مشروطه معرفی کند. ویلیام مورگان شوستر حقوقدان و کارشناس مالی اهل ایالات متحده برای اصلاح امور مالی به استخدام دولت ایران درآمد.

در تاریخ چهارشنبه ۷ آذر ۱۲۹۰ روسیه تزاری با رایزنی انگلستان اولتیماتوم سختی به دولت ایران داد و به موجب آن از ایران خواست که مورگان شوستر و همراهانش هرچه زودتر ایران را ترک کنند و دولت ایران متعهد شود که در آینده برای به کارگیری مستشاران خارجی پیشاپیش رضایت دولت‌های روس و انگلیس را جلب کند و نیز هزینه لشکرکشی روس‌ها را به ایران عهده‌دار بشود. دست یازی ایران به انگلستان سودی نداشت و دولت انگلستان در نامه‌ای

برگزاری «روز جهانی زن» مهمان انجمن می‌باشند و بنا به کمبود وقت در جلسه ماه مارس، اعطای وام به متقاضیان به جلسه آوریل تغییر خواهد کرد. موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریریه انجمن

اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 62 06 73 09

XXXXXXXXXX

اولمپ دوگوژ (Olympe de Gouges) با نام واقعی ماری گوژ

در هفده سالگی با مردی که دوستش نمی‌داشت ازدواج کرد و دو سال بعد، صاحب پسری شد و سه سال پس از ازدواج از ایفای نقش بورژوازی شهرستانی خسته شده و از خانه فرار و به پاریس رفت و برای حفظ آزادی خود دیگر هرگز ازدواج نکرد. به ادبیات و تأثر و سرانجام به نمایشنامه‌نویسی پرداخت و در دوران انقلاب فرانسه نشان داد که نسبت به زمانه‌اش پیشرفته‌تر بود. این زن چنان جسارتی داشت که یکی از منتقدان ادبی را که به آثار او بی‌اعتنایی کرده بود به دوئل دعوت کرد.

او از سال ۱۷۹۱ بود که ارزش واقعی شخصیتش را به نمایش می‌گذارد. در قانون اساسی که مجلس مؤسسان تدوین می‌کرد، حق مدنی در مورد زنان فراموش شده بود. او به همین منظور در سال ۱۷۹۱ متنی تهیه کرد با عنوان «اعلامیه حقوق زن و شهروندی» که ۱۷ ماده داشت و سلطه‌گری و برتری مردانه را افشاء کرده و از برابری حقوق زن با مرد در همه زمینه‌ها دفاع می‌کند. در دو ماده اول و دوم آن می‌خوانیم: زن آزاده زاده شده و حقوقی برابر با مرد دارد. تمایزات اجتماعی تنها باید بر سودمندی عمومی تکیه کند... هدف هر اجتماع سیاسی حفظ حقوق طبیعی و زوال‌ناپذیر زن و مرد است. این حقوق عبارتند از آزادی و امنیت و بویژه مقاومت در برابر ستمگری و خفقان و به زنان هشدار می‌داد که «زن بیدار شو». در اعلامیه او همچنین آمده است: زنان همانطور که حق رفتن بالای چوبه دار و زیر گیوتین را دارند، باید حق

آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر وکلای مجلس در انجام فرایض خود و محافظت و برقرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند، مردان و فرزندان و خودمان را کشته و اجسادمان را همین جا می گذاریم. با همت این زنان بود که نمایندگان مجلس اولتیماتوم روس ها را با اکثریت قریب به اتفاق رد کردند. عزت این زنان مبارزه پاینده باد.

ناگفته نماند که دو هفته بعد از این واقعه با فشار روس ها مجلس از هم پاشید.

بعد از واقعه مجلس، روس ها نیروی جدیدی به ایران آوردند. در تبریز و رشت و مشهد و شهرهای دیگر کشتار به راه انداختند و سرانجام در سال ۱۲۹۰ دولت ایران اولتیماتوم را پذیرفت و ناصرالملک در مجلس را بست و سازمان های ملی را با اعلان حکومت نظامی ممنوع کرد و بدست او وثوق الدوله ریشه آزادی را کنده و هرگونه فریاد اعتراض نسبت به بیگانگان در امور کشور و سیاست دولت در گلوئی مردم شکسته شد.

موفق و پیروز باشید.

داود

XXXXXXXXXX

زن که باشی

ترس های کوچکی داری! از کوچه های بلند، از غروب های خلوت و از خیابان های بدون عابر می ترسی! از صدای موتورسیکلت ها و دوچرخه هایی که بی هدف در کوچه پس کوچه ها می چرخند، می ترسی! از بوق ماشین هایی که ظهرهای گرم تابستان جلوی پاهایت ترمز می کنند و تو فقط چهره آدم هایی را می بینی که در چشم هایشان حس نوع دوستی موج می زند!... زن که باشی ترس های کوچکی داری، به بزرگی همه بی عدالتی هایی که به جرم زنانگی محکومت می کنند... و همیشه این توئی که مقصری! زن که باشی مهربانی ات دست خودت نیست خوب می شوی حتی با آنان که چندان با تو خوب نبوده اند، دل رحم می شوی حتی در مقابل آنهایی که چندان رحمی به تو نداشته اند. زن که باشی زود می بخشی، زود می رنجی، زود می گریی، زود می خندی... چون سرشاری از احساس. زن که باشی در باره ات قضاوت می کنند، در باره لبخندی که

به وثوق الدوله وزیر خارجه ایران سفارش کرد فوراً تقاضای روس ها را بپذیرد اما مجلس ایران اولتیماتوم را با اکثریت قریب به اتفاق رد کرد و مردم در تبریز و گیلان به ایستادگی خود افزودند.

در آن موقع قبل از اینکه نمایندگان مجلس اولتیماتوم را در مجلس رد کنند در تهران شایع شده بود به واسطه تهدید و پرداخت رشوه به بعضی از نمایندگان، مجلس آماده قبول شروط اولتیماتوم شده است، اقدام شجاعانه ای که از سوی زنان تهران صورت گرفت در آن شرایط هولناک حیرت انگیز بود. ویلیام شوستر در خاطرات خود می نویسد؟ در آن ایام تار و ظلمانی که مردم در تردید بودند که آیا مجلس باقی خواهد ماند یا منفصل می شود، زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت از آزادی و عشق فوق العاده به وطن خود، آخرین اقدامی که آنان را بر مردان تفرق و برتری داده و دلیل شجاعت وطنیشان بود، به عرصه ظهور رسانیدند. شهرت داشت که وکلا و نمایندگان در چند جلسه در مجلس شرایط را طوری آماده کرده بودند که مطالبات روس ها را تسلیم نموده و از مجلس رأی اعتماد بگیرند. بازاریان و اهالی پایتخت فرقه فرقه شده بودند و کسی نبود که وظایف بخشی از وکلا را در دفاع از حقوق ملت به آنها یادآوری کند. در این موقع زنان ایران جوابی مهیا نموده و سیصد نفر آنها از خانه و حرمرای محصور با افروختگی که از عزم باطنیشان خبر می داد، بیرون آمده در حالتی که در چادرهای سیاه و نقاب های مشبک سفید مستور بوده، بسیاری از ایشان در زیر لباس یا آستین های خود طپانچه پنهان داشتند. یکسره به مجلس رفته و در آنجا جمع شده و از رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام آنها را اجازه دخول دهد. رئیس مجلس به ملاقات نمایندگان ایشان راضی شده، در اطاق ملاقات با رئیس مقابله کرده و طرف مذاکره شدند. با این خیال که مبدا خود یا همراهانش، مطلب و مقصودشان را درست ملتفت نشوند، آن هیئت مادران و زوجات و دختران محجوب ایرانی، طپانچه های خود را برای تهدید نمایش داده و نقاب ها را پاره کرده و دور انداخته، و اراده و عزم

جوامع عقب مانده فرهنگی و اقتصادی که فرهنگ مردسالاری یا پدرسالاری حاکم می باشد، باعث ترویج خشونت، فقر و درماندگی و باورهای زن ستیزانه و افکار مردسالاری و گسترش خشونت در جامعه می شوند که قربانیان اصلی این خشونت ها در واقع کل آحاد جامعه و درصد بالای آن را زنان و کودکان تشکیل می دهد.

بحث بر سر خشونت بر زنان و اشکال مختلف آن است. این خشونت ها که از اشکال مختلف و متفاوت برخوردار است عبارتند از:

- خشونت فیزیکی شامل: گرفتن و بستن، چنگ انداختن، کشیدن مو، اخراج از خانه، کتک زدن، محروم کردن از غذا، گاز گرفتن، سیلی زدن، مشت و لگد زدن، هل دادن.

- خشونت خانگی: برهم زدن میز غذا، محکم کوبیدن درب، شکستن اشیاء منزل و...

- خشونت روانی و کلامی: یکی دیگر از اشکال خشونت است که بر زنان اعمال می شود که با بکار بردن کلمات رکیک و دشنام و تهمت زدن، بهانه گیری های پی در پی، قهر و محبت نکردن و ایرادهایی که به شکل ظاهری بدن زن گرفته می شود و ایراد در پوشش.

- خشونت جنسی و ناموسی: تجاوز، ختنه جنسی، قتل ناموسی، اجبار به سقط جنین یا حاملگی اجباری و ناخواسته، عدم رعایت بهداشت جنسی، امتناع از داشتن رابطه جنسی، هر کدام از این خشونت ها جزء خشونت های جنسی و ناموسی می باشند.

- نوع دیگر خشونت ها، تهدید به آزار و قتل، تهدید به اذیت و آزار رساندن به نزدیکان و اطرافیان زن، بچه دزدی و غیره است.

- خشونت اقتصادی: بسیاری از مردان با استفاده از عوامل مالی و اقتصادی، زنان را مورد خشونت و کنترل قرار می دهند. این مردان از استقلال مالی همسران خود جلوگیری و در اموال شخصی آنها دخل و تصرف می کنند و با ندادن خرجی خانه و پول کافی برای زنان مشکلات و مضیقه مالی ایجاد می کنند.

- خشونت حقوقی: طلاق، چند همسری، صیغه، روابط بدور از چشم همسر و حضانت کودکان،

بی ریا نثار هر احمقی کردی، در باره زیباییات که دست خودت نبوده و نیست، در باره تارهای موییت که بی خیال از نگاه شک آلوده احمق ها از روسری بیرون ریخته اند، در باره روح، جسمت، در باره تو و زن بودنت، عشقت، همسرت، قضاوت می کنند. تو نترس و زن بمان. احمق ها همیشه زیادند. نترس از تهمت دیوانه های شهر که اگر بترسی رفته رفته زن مردنما می شوی، کم کم تفاوت ظریف میان نگهداشتن یک دست و زنجیر کردن یک روح را یاد خواهی گرفت. اینکه عشق تکیه کردن نیست و رفاقت، اطمینان خاطر و یاد می گیری که بوسه ها قرارداد نیستند... و هدیه ها، عهد و پیمان معنی نمی دهند.

بخشی از نوشته های فروغ فرخزاد.

تهیه از داود

XXXXXXXXXX

خشونت بر زنان از زبان آمارها

چند سالی است از طرف مجامع بین المللی روز ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان و همچنین روز ۱۰ سپتامبر روز جهانی علیه خودسوزی نامیده شده است. گرچه این روزها و نه ۸ مارس «روز جهانی زن» و نه هیچ روز دیگری به این مناسبت ها نتوانسته است و نخواهد توانست به خشونت بر زنان پایان دهد و آمارهای خود این مجامع بین المللی در سراسر جهان بویژه در کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه نشان از خودکشی و خودسوزی زنان و خشونت و بی حقوقی هرچه بیشتر و قتل های ناموسی و قبیله ای و قومی می باشد، هر روز شاهد آمارهای تکان دهنده از زن ستیزی، بی حقوقی و تجاوز به حقوق نیمی از جمعیت جامعه بشری هستیم.

خشونت نوعی عملکرد است که برای کنترل و ایجاد ترس و وحشت بر فردی یا افراد جامعه اعمال می شود و بیشتر برای کنترل حرکات و رفتار و عملکرد افراد از آن استفاده می شود که باعث صدمه های روحی، روانی و جسمی زیادی بر انسان ها می گردد.

سرکوب، ترور، زندان، شکنجه، اعدام، ایجاد رعب و وحشت از جمله خشونت هایی هستند که در

امتناع مرد از طلاق در صورت تقاضای طلاق از طرف زن.

- خشونت اجتماعی: ممانعت از رشد فکری، آموزشی، جلوگیری از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، جلوگیری از اشتغال زنان، محدودیت در ارتباطات اجتماعی با جامعه، فامیل، دوستان.

با توجه به این که ریشه این خشونت‌ها و نابرابری‌ها و دیگر مصائب اجتماعی در قوانین کشورها، باور به اعتقادهایی است که طی هزاران سال حیات انسان تحکیم و با ستم بر زن ادامه و به روند عادی زندگی در جوامع تبدیل شده است.

در جوامع سرمایه‌داری، با توجه به خصلت متحرک سرمایه‌داری، تا آنجائی که به حفظ سودآوری و انباشت سرمایه لطمه وارد نشود، به بخشی از این قوانین از جمله در حوزه خانواده، ازدواج، اشتغال و غیره تن داده‌اند و بعضی از قوانین تغییر یافته‌اند.

حفظ مذهب و سنت و فرهنگ مردسالارانه برای سرمایه‌داران این خاصیت را دارد که با اشتغال و شرکت در تولید منابع اقتصادی، توسط زنان، به تفرقه و تشتت در میان کارگران زن و مرد دامن زده و از همبستگی کارگران و حضور آنان در جامعه به شکل‌های مختلف مانع ایجاد کنند.

خشونت بر زنان حد و مرزی ندارد و در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و در کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده به عناوین مختلف این خشونت‌ها در جریان می‌باشد. بنا به گفته سازمان عفو بین‌الملل مرگ و میر حاصل از خشونت در زنان اروپائی در سنین ۱۶ تا ۴۴ سال در خانواده‌ها، بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده‌ها می‌باشد.

میزان و آمار تکان دهنده در باره خشونت علیه زنان در سراسر دنیا بخصوص در کشورهای جهان سوم و عقب‌افتاده هر روز شدیدتر و گسترده‌تر می‌شود. به عنوان مثال:

- در هر ۱۸ ثانیه در سطح جهان یک زن می‌میرد.

- براساس آمار بهداشت جهانی در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد.

- براساس گزارشات رسمی سازمان ملل ۶۰ درصد از زنان جهان در طول عمر خود شاهد خشونت‌های فیزیکی یا جنسی بوده‌اند و نزدیک به یک سوم تا نیمی از موارد بدرفتاری فیزیکی و همراه با خشونت روانی بوده است.

- بنا به گزارش سازمان جهانی بهداشت (OMS) ۳۰ درصد از کل زنان جهان قربانی خشونت‌های خانوادگی توسط همسر یا شریک زندگی‌شان می‌باشند.

- تجاوز جنسی توسط همسر و یا شریک زندگی زنان در افریقا ۴۵،۶ درصد، در آسیا ۴۰،۲ درصد، در امریکا ۳۶،۱ درصد و در اروپا ۲۷،۲ درصد می‌باشد (OMS).

- ۳۸ درصد از زنان به قتل رسیده در دنیا بر اثر تجاوزات جنسی همسر یا شریک زندگی‌شان بوده که علت این قتل‌ها در درجه اول مصرف بیش از حد الکل می‌باشد (OMS).

- هنوز در ۳۵ کشور جهان، تجاوز به زنان جرم محسوب نمی‌شود.

- بیش از ۶۰۳ میلیون زن در کشورهای زندگی می‌کنند که خشونت‌های خانوادگی علیه زنان در آن کشورها جرم محسوب نمی‌شود. برای مثال در زمان رژیم سابق در ایران طبق اصل ۱۷۹ قانون مجازات‌های کیفری قتل ناموسی توسط شوهر، قتل محسوب نمی‌شده و مجازاتی در پی نداشته است!

خشونت‌های خانوادگی

در نیکاراگوئه ۲۸ درصد، در کانادا ۲۹ درصد، در انگلیس ۳۰ درصد، در بنگلادش ۴۷ درصد، در ترکیه ۵۸ درصد و در ایران ۶۶ درصد می‌باشد. - ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان امریکائی مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار می‌گیرند و از هر ۱۰ قربانی زن، سه نفر توسط همسرشان یا سایر مردان کشته شده‌اند.

- در شیلی، ۶۳ درصد زنان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند.

- در کلمبیا، بیش از ۲۰ درصد زنان مورد آزار لفظی و روانی شوهرانشان قرار می‌گیرند.

- در کانادا، ۶۲ درصد از مقتولان زن در سال ۱۹۸۷ میلادی توسط همسرانشان به قتل رسیده‌اند.

- بالعکس خودکشی در میان زنان متأهل بیش از خودکشی در مردان متأهل می باشد.

در ایران بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ بیش از ۳۰،۰۰۰ نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده اند. آمار خودکشی در زنان متأهل بیش از دختران مجرد می باشد.

بی حقوقی و تبعیض بر زنان در همه جهان سرمایه داری، غیرقابل انکار است و بطور کلی بر اساس آمار جهانی، ۹۰ درصد از قربانیان خشونت های خانگی زنان و فقط حدود ۱۰ درصد مردان هستند.

براساس اطلاعات سازمان ملل، به علت بی عدالتی ها و عدم تساوی حقوقی و عقب افتادگی فرهنگی و سنتی و... همه جا زنان در سایه زندگی می کنند، فرعی هستند، نادیده گرفته می شوند، بالاترین رقم در بی سوادها هستند، سخت ترین کارها را انجام می دهند و فقیرترین ها و بیمارترین اقشار جامعه را تشکیل می دهند. بنابراین در جهان امروز، بحث از برابری واقعی زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دروغی بیش نیست. اما با این همه، مبارزه و تلاش زنان با صدائی در گلو خفته، با استخوان های شکسته و زخم هایی بر بدنشان برای تغییر دنیا و نفی هرگونه ستم و نابرابری علیه افکار مردسالارانه و فقر اقتصادی و خشونت های جنسی و فیزیکی و روانی ادامه دارد و خواهد داشت. تهیه و تنظیم: فرشید

XXXXXXXXXX

پاسخ یک زن در مقابل یک سوال

آیا شما زنی شاغل هستید یا خانه دار؟؟
او پاسخ داد بله من یک خانه دار تمام وقت هستم

من ۲۴ ساعت در روز کار می کنم

من یک مادر هستم

من یک همسر هستم

من یک دختر هستم

من یک عروس خانواده همسر هستم

من یک ساعت زنگ دار هستم

من یک آشپز هستم

من یک پیشخدمت هستم

- در انگلیس، از هر ۱۰ زن، هفت نفر در دوره زندگی شغلی دچار آزار جنسی شده اند.

- در سوئیس، یک پنجم زنان، حداقل یک بار در طول عمرشان از سوی شریک زندگیشان مورد خشونت جسمی یا جنسی قرار می گیرند و تعدادی به قتل می رسند.

- در روسیه تنها در سال ۱۹۹۹ تعداد ۱۴ هزار زن به دست شریک زندگیشان و یا بدست مردان خانواده به قتل رسیده اند.

- در هندوستان سالانه ۱۵ هزار زن به علت عدم توانائی پرداخت جهیزیه در آتش سوزانده می شوند.

- در فرانسه یک روی ۱۰ نفر از زنان فرانسه قربانی خشونت های خانوادگی قرار می گیرند. این رقم در Ile-de-France به ۳۵۰،۰۰۰ نفر در سال می رسد.

- بنا به آمار دولتی در فرانسه یک زن طول هر ۲،۵ روز و یک مرد طول هر ۱۴ روز در اثر اختلافات خانوادگی توسط همسر یا شریک زندگیشان کشته می شوند.

برای مثال در سال ۲۰۰۸ تعداد ۱۵۶ نفر از زنان فرانسه در اثر خشونت های خانوادگی جان خود را از دست داده اند که اگر تعداد زنانی که در اثر خودکشی منجر به مرگ را اضافه کنیم این رقم به ۲۵۴ نفر از زنان فرانسه در سال می رسد.

بنا به تجزیه و تحلیل آمارگران ۴۳ درصد این خشونت ها در اماکن عمومی و ۳۷ درصد از نوع خشونت های روانی و بیشترین قربانیان در سنین ۱۸ تا ۴۴ بوده اند و ۳۲ درصد علت این خشونت ها در اثر مصرف بیش از حد الکل می باشد.

در جهان سالانه ۴ میلیون زن و دختر بچه به منظور ازدواج و یا تن فروشی و یا بردگی مورد خرید و فروش قرار می گیرند که از این تعداد در حدود ۱۲۰ تا ۵۰۰ هزار زن و دختر بچه، فقط در قاره اروپا هستند.

برای خاتمه چند آمار مختصر در باره خودکشی زنان:

- آمار خودکشی در زنان دو برابر مردان است.

- زنان مجرد کم تر از مردان مجرد دست به خودکشی می زنند.

استقلال طلبی الجزایر از دانشکده اخراج شد و در این رابطه است که احساساتش را در قالب رمانی بنام La soif با اسم مستعار اسیا جبار به رشته تحریر درآورد. سپس با والید کرن (Walid Carn) نمایشنامه‌نویس ازدواج کرد و فرانسه را به قصد مراکش ترک گفت و در دانشکده تاریخ و ادبیات رباط (مراکش) به عنوان استاد تاریخ معاصر به تدریس مشغول شد. اول ژوئیه ۱۹۶۲ در اوج شلوغی‌ها به الجزایر برمی‌گردد و در سنگر دانشگاه به تدریس تاریخ مدرن و معاصر می‌پردازد تا اینکه با تحریم تدریس زبان فرانسه در دانشکده ادبیات او اجباراً الجزایر را ترک کرد.

بین سال‌های ۷۵-۱۹۶۶ او اکثراً بین فرانسه و الجزایر در رفت و آمد بود. در این مدت تغییراتی در زندگی‌اش اتفاق می‌افتد. جدائی از شوهر، ازدواج مجدد با Malek Alloua (نویسنده) بطوریکه اسیا بیشتر به هنر روی می‌آورد و احساساتش را در قالب سناریونویسی بیان می‌کند. جوایزی کسب می‌کند و به شهرت می‌رسد.

در سال ۱۹۹۱ در دانشگاه مونپلیه از رساله دکترای اتوبیوگرافیک خود دفاع می‌کند و در همین سال به عضویت فرهنگستان سلطنتی زبان و ادبیات فرانسه بلژیک انتخاب می‌شود. همچنین در سایه فعالیت‌های ادبی و هنری‌اش دکترای افتخاری از دانشگاه‌های وین و مونترال و استانبورگ آلمان نصیبش می‌شود.

او همچنین چند سالی در دانشکده ادبیات زبان فرانسه دانشگاه نیویورک به تدریس پرداخت و در حالیکه از شهرت جهانی برخوردار بود در برگشت به فرانسه در شش ژوئن ۲۰۰۵ به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شد!

در آثار متعدد اسیا جبار، بررسی هویت و مشکلات زنان جایگاه ویژه‌ای دارد. او از آنجائیکه در دو دنیای متفاوت الجزایر و فرانسه زندگی کرده بود برخورد سنت و مدرنیته و حقوق زن و فضای داستان‌های او را پر می‌کند. وی بطور غیرمستقیم گاهی با شرح بیوگرافی خود از مسائل نسل خویشتن سخن می‌گوید و ارزش‌های فرهنگی دو جامعه فرانسه و الجزایر را در مقابل هم می‌گذارد و

من یک معلم هستم
من یک گارسون هستم
من یک پرستار بچه هستم
من پرستار هستم
من دستیار هستم
من یک مأمور امنیتی هستم
من یک مشاور هستم
من تعطیلات ندارم
مرخصی استعلاجی ندارم
روز استراحت ندارم
شبانه روز کار می‌کنم
و ۲۴ ساعت گوش به زنگم تمام ساعات
دستمزدم این است

«مگه چکار کردی از صبح تا حالا؟»

تقدیم به همه زنان که تا هستند هیچکس متوجه حضورشان نیست ولی وقتی نیستند همه چیز تنگ است و از هم پاشیده.

تهیه از داود

XXXXXXXXXX

به یاد اسیا جبار (Assia Dhebar) (۱۹۳۶-۲۰۱۵)

اسیا جبار که نام واقعی او فاطمه الزهرا املحاین بود، اولین زن نویسنده الجزایری فرانسوی زبان و مسلمان است که در سال ۲۰۰۵ به عضویت آکادمی فرانسه نائل شد. او به زبان‌های لاتین و یونان قدیم، عربی و انگلیسی نیز تسلط داشت و ده‌ها اثر در قالب رمان و داستان، شعر و مقاله، همچنین نمایشنامه و سناریو خلق کرد و به یک چهره ادبی شناخته شده در سطح جهانی تبدیل شد. وی چند هفته پیش یعنی ششم فوریه امسال در سن هفتاد و هشت سالگی در پاریس چشم از جهان فرو بست.

اسیا دختر یک معلم الجزایریست که در ششم ژوئن ۱۹۳۶ در شهر کوچک ساحلی شرشل نزدیک الجزیره متولد شد و تا دوره دیپلم متوسطه در الجزیره تحصیل کرد، سپس در سال ۱۹۵۴ به پاریس آمده، در مدرسه عالی دختران شهرک Sèvres تحصیلاتش را در رشته تاریخ و ادبیات ادامه داد. ولی در سال ۱۹۵۶ با شرکت در اعتصابات دانشجویان مسلمان سر مسایل جنبش

درشکه‌ها می‌زدند و همچنان تنها وسیله ارزان و بی‌رقیب شهر بودند. با آمدن تاکسی رفته رفته درشکه‌ها بهای خود را از دست دادند. این ده ماشین فخرالدوله که در تهران مشغول به جابجایی مسافران شدند، لقب اولین نسل تاکسی‌ها را به نام خود کردند. پس از آن هر کسی که درشکه‌های خود را از رده خارج می‌کرد یک دستگاه ماشین دریافت می‌کرد و از همین رو شکل حمل و نقل با درشکه تقریباً ۵۰ سال پیش در تهران کاملاً از بین رفت ولی در حومه تهران مانند شهر ری هنوز تا مدت‌ها بود. مجدداً مدتی است که در منطقه بازار تهران که ورود اتومبیل ممنوع شده مجدداً از درشکه استفاده می‌شود، البته بیشتر جنبه توریستی آن مد نظر است.

موفق و پیروز باشید.

داود

XXXXXXXXXX

نوروز و جشن‌های ایرانی

نیاکان ما روحی آزاده و سرشار از غرور ملی و نشاط کار و میل به فعالیت داشته‌اند. این نشاط و سرخوشی آمیخته با کار و سنن باستانی و نژادی به حدی بود که تجلی آن در تمام مظاهر زندگی ایران قدیم وجود داشته است.

یکی از آن مظاهر جشن‌ها و اعیاد فراوان و بی‌شماری بود که در غالب ایام و ماه‌های سال ایرانیان قدیم برپا می‌داشتند و با شوق و علاقه خاصی این رسوم و سنن نشاط‌انگیز را حفظ و اجرا می‌کرده‌اند.

اسلاف و پیشینیان ما اصولاً معنی عزا و ناله را نمی‌دانستند به طوری که مستشرقین با تمام تحقیقات و تجسس‌ات خود نتوانستند حتی یک روز عزای عمومی در تقویم ایرانیان قدیم بیابند و برعکس هر سال نزدیک به پنجاه عید بزرگ و کوچک داشتند و در هر یک از اعیاد و جشن‌ها مراسم مخصوصی را انجام می‌دادند. اهمیت این جشن‌ها یکسان نبود. بعضی بسیار مجلل و برخی به سادگی برگزار می‌شد.

جشن نوروز به مناسبت آغاز بهار و جشن فروردگان در وسط بهار و جشن مهرگان به مناسبت آغاز سرمای پائیز و زمستان و جشن سده

به قضاوت می‌پردازد. در رمان‌های Les enfants du nouveau monde (۱۹۶۲) و Alouettes naïves (۱۹۶۷) با توجه به شرایط پرتلاطم الجزایر جایگاه و فعالیت روزانه زنان را شرح می‌دهد. همچنین در رمان Femmes d'Alger dans leur appartement (۱۹۸۰) او از نقش سنت بر سرنوشت زنان و رهائی از قید و بندهای جامعه مردسالاری و آزادی سخن می‌گوید و بالاخره در کتاب Nulle part dans la maison de mon père (۲۰۰۷) او از محدودیت‌های دوره جوانی‌اش در یک جامعه پدرسالاری که آزادی او را تحت تأثیر قرار داده بود شکایت دارد.

در اینجا فرصت کافی نیست به جزئیات تمامی آثار او اشاره کنیم و اکثراً نوشته‌های او به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند و مقالات مهمی در باره او به رشته تحریر آمده است و گرچه آسیا جبار موفق به کسب جایزه نوبل نشد ولی با پشتکار و تلاش مداوم ده‌ها جایزه ادبی را کسب نمود و به یک چهره ادبی برجسته و جهانی تبدیل شد.

رسول

XXXXXXXXXX

اولین تاکسی در ایران

اشرف الملوك، ملقب به فخرالدوله، نهمین دختر مظفرالدین شاه قاجار که با بهره‌گیری از ارثیه پدری و مدیریت خود به یکی از ثروتمندترین زنان ایران تبدیل شد، اولین کسی بود که در ایران به فکر این افتاد که تاکسی و فرهنگ استفاده از تاکسی را در میان مردم ایران رواج دهد. در کتاب اولین زنان نوشته عذرا دژم اشاره کرده که فخرالدوله اولین کسی بود که به این فکر افتاد، او از شرکتی ۱۰ دستگاه اتومبیل فورد خریداری کرد و در اختیار کسانی که رانندگی بلد بودند قرار داد و آنها تنها با کرایه‌ای به مبلغ ۵ قران مسافران را در خیابان‌های خلوت تهران به سرعت به مقصد می‌رساندند. حتی در تاریخ آمده که او به پسرهایی که می‌خواستند متأهل شوند یک تاکسی برای امرار معاش هدیه می‌داده که آنها بتوانند از پس هزینه‌های زندگی بریبایند. تا سال ۱۳۲۵ تعدادی اتومبیل‌های شخصی با عنوان کرایه در خیابان‌های خلوت و اندک تهران به نقل و انتقال مردم مشغول بودند اما هنوز هم حرف اول را

«کیستی؟» و «از کجا آمده‌ای؟»، «به کجا می‌روی؟»، «نامت چیست؟»، «که تو را آورد؟»، «با که آمده‌ای؟»، «با تو چیست؟». آن مرد جواب می‌داد: «من نیروی فتح و ظفرم؟» «از جانب خدا می‌آیم»، «نزد پادشاه نیکبخت می‌روم»، «نامم خجسته است»، «با سال نو آمده‌ام»، «تندرستی و شادمانی و گوارایی ره‌آورد من است... سپس مردی دیگر می‌آمد که با خود طبقی از نقره داشت و در اطراف آن قرص‌های نان از انواع حبوب مانند گندم، جو، ارزن، ذرت، نخود، عدس، برنج، کنجد، باقلا و لوبیا قرار داشت و از حبوب مذکور هریک هفت دانه در آن طبق می‌نهادند با قطعه‌ای از شکر و مقداری پول نقره و طلا و شاخه‌ای اسفند و هفت شاخه از درخت‌هایی که آنها را به فال نیک می‌گرفتند و هر یک را به اسم شهری می‌نامیدند. بر روی آنها کلماتی از قبیل: اپزود (افزود)، اپزاید (افزاید)، اپزون (افزون)، پروار و فراخی (فراوانی) می‌نوشتند.

وقتی این طبق را به خدمت شاه می‌آوردند آن مرد که خود را خجسته معرفی کرده بود آن را به دست می‌گرفت و به شاه درود می‌فرستاد و دوام سلطنت و قدرت و فر و شکوه او را خواستار می‌شد و طبق را در خدمتش می‌نهاد. بعد از این مقدمات بزرگان دولت به خدمت می‌آمدند و هدایای خود را تقدیم می‌داشتند.

هدایای نوروز از طرف شاه و امرا و مرزبانان، سپهبدان و همسران شاه به عامه مردم تقدیم می‌شد. معمولاً هدیه هر کسی متناسب با شغل و مقامش بود مثلاً اسبان تیز رفتار از طرف پروراندگان چهارپایان، تیرکمان از طرف جنگجویان، شمشیر و زره از طرف آهنگران و اسلحه‌سازان، پوشیدنی‌های فاخر از طرف فروشنندگان پارچه و لباس، دُر و گوهر از طرف جواهرفروشان.

زنان حرمسرا هم هر یک هدیه‌ای فراخور سلیقه و پسند خود برای شاه ترتیب می‌دادند. اگر یکی از آن کنیزکی زیبا داشت و تصور می‌کرد که شاه به آن کنیز توجهی دارد، می‌بایست هنگام نوروز او را به بهترین وجهی بیاراید و به رسم هدیه به شاه تقدیم کند.

به مناسبت پایان زمستان بسیار معتبر و باشکوه بود و با تشریفات مفصلی برگزار می‌گردید.

در نوروز، شاه به بار عام می‌نشست و قراولان خاصه در دو جانب او صف می‌کشیدند و مراسم نوروز با جلال و شکوهی تمام اجرا می‌شد.

در زمان هخامنشی علاوه بر مراسم رسمی و حضور رجال و بزرگان پایتخت معمولاً نمایندگان تمام کشورهای تابع پادشاهی در این روز با هدایای مخصوص به خدمت شاه بار می‌یافتند. رئیس تشریفات سلطنتی هر یک از نمایندگان را به نوبت به حضور شاه می‌برد تا هدیه و درود کشور خویش را به پیشگاهش تقدیم دارد. این هدایا که از کشورهای دوست و ایالات داخلی ایران به خدمت آورده می‌شد از خصایص و ظرایف هر سرزمین و هر قوم بوده است مانند: اسب، گاو، گوسفند، شتر، شیر، بز کوهی، زرافه و نمونه‌هایی از لباس مخصوص هر قوم و ظروف زرین و امثال آنها.

تشریفات جشن نوروز در دربار ساسانی چندین روز پیش از آغاز فروردین ماه شروع می‌شد.

بیست و پنج روز پیش از نوروز در صحن کاخ سلطنتی دوازده ستون از خشت خام برپا می‌داشتند و بر هر یک از آنها نوعی از رستنی‌ها را می‌کاشتند که عبارت بودند از: گندم، جو، برنج، عدس، باقلا، کاجیله، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد و ماش. شاه و درباریان دیدن این سبزه‌ها را به فال نیک می‌گرفتند و آنها را تا ششمین روز نوروز نگاه می‌داشتند. در آن روز با شادی و طرب و آواز و رقص آن سبزه‌ها را می‌کنند و در مجلس شاه می‌نهادند که تا روز شانزدهم فروردین باقی می‌ماند. ایرانیان معتقد بودند که هر یک از آن حبوب که سبزتر و خرم‌تر باشد محصولش در آن سال بیشتر است.

بامداد نوروز دربار سلاطین ساسانی جلال و شکوه خاصی داشت. بعد از آنکه شاه با لباس رسمی فاخر در دربار حاضر می‌شد، مردی خجسته نام و مبارک قدم و گشاده رو و نیکو بیان که از هنگام شب تا بامداد بر خانه شاه توقف کرده بود، بی‌اجازه به خدمت شاه می‌رفت و آن قدر می‌ایستاد تا شاه او را ببیند و بپرسد

در مراسم درباری شاه در روز نوروز «بازی» سپید را پرواز می‌داد. بارهایی که شاه در ایام نوروز می‌داد برای همه طبقات مملکت بود و همه در آن پذیرفته می‌شدند. رسم چنان بود که از طبقات عامه شروع می‌کردند تا روزهای آخر به شاهزادگان و اشراف برسند.

اینها همه رسوم درباری بود. در میان مردم هم جشن نوروز مراسم و تشریفاتی داشت. بطور مثال شب نوروز مردم آتش‌هایی می‌افروختند و گرد آن شادی و جست و خیز می‌کردند. این رسم بعدها هم باقی ماند و در زمان خلافت عباسی در بغداد معمول بود. بعید نیست که آتش چهارشنبه سوری از همین قبیل باشد. بامداد نوروز برای چشم روشنی به یکدیگر آب می‌پاشیدند و این رسم به صورت پاشیدن گلاب باقی مانده است.

شکر و شیرینی هم هدیه می‌داند که این رسم هنوز معمول است. رسم دیگر کاشتن سبزی بود و مردم به کاشتن هفت نوع سبزی اکتفا می‌کردند. این خلاصه‌ای بود از مراسم نوروز. نوروز همگی از پیش مبارک.

داود - پاریس

XXXXXXXXXX

آشیان ویران

دوست عزیز حسین،

انسان‌ها با مرگ پدر آنقدر یتیم نمی‌شوند که با مرگ مادر می‌شوند. مرگ مادر فاجعه دردناک زندگی انسان است که هیچ کس و هیچ چیز جای تهی آنرا پر نمی‌کند. با مرگ مادر کانون خانه شیرازه خود را از دست می‌دهد. مثال‌های عدیده‌ای در این مورد وجود دارد. اکثر کسانی که مادرشان را از دست داده‌اند کمتر تمایل به بازگشت به خانه‌ای که در آن دیگر مادرشان وجود ندارد را نخواهند داشت. شعری از پروین اعتصامی در مورد آشیانه ویران به رفیق مهربانم حسین.

آشیان ویران

از ساحت پاک آشیانی
مرغی بپرید سوی گلزار
در فکرت توشی و توانی

افتاد بسی و جست بسیار
رفت از چمنی به بوستانی
بر هر گل و میوه سود منقار
تا خفت ز خستگی زمانی
یغماگر دهر گشت بیدار
تیری بجهد از کمانی
چون برق جهان ز ابر آزار
گردید نژند* خاطری شاد

چون بال و پرش تپید در خون
از یاد برون شدش پیریدن
افتاد ز گیرودار گردون
نومید ز آشیان رسیدن
از پر سر خویش کرد بیرون
نالید ز درد سر کشیدن
دانست که نیست دشت و هامون
شایسته فارغ آرمیدن
شد چهره زندگی دگرگون
در دیده نماند تاب دیدن
مانا که دل از تپیدن افتاد

مجروح ز رنج زندگی رست
از قلب بریده گشت شریان
آن بال و پر لطیف بشکست
وان سینه خرد خست پیکان
صیاد سیه دل از کمین جست
تا صید ضعیف گشت بیجان
در پهلوی آن فتاده بنشست
آلوده بخون مرغ دامان
بنهاد به پشتواره و بست
آمد سوی خانه شامگاهان
وان صید بدست کودکان داد

چون صبح دمید، مرغی خرد
افتاد ز آشیانه در جر**

چون دانه نیافت، خون دل خورد
تقدیر، پرش بکند یکسر
شاهین حوادثش فرو برد
نشنید حدیث مهر مادر
دور فلکش بهیچ نشمرد
نفکند کسیش سایه بر سر
نادیده سپهر زندگی، مرد

تصحیح

پیشاپیش هیئت مدیره انجمن تاکسیران از همکاران، عطای عزیز سپاسگزار است، چرا که در عصر انفورماتیک، افزون بر انتشار نشریه بر روی کاغذ، بسیار ضروری جلوه می‌کند که ماهنامه تاکسیران از طریق اینترنت نیز قابل دسترسی علاقمندان باشد، و این امر مهم تاکنون توسط عطا انجام شده است. اما آدرس سایت در نشریه تاکسیران، نادرست درج می‌شده است. با گوشزد برخی همکاران که به این موضوع توجه کرده و آدرس درست اینترنتی ماهنامه تاکسیران را اطلاع دادند، ما بدین وسیله آن را تصحیح می‌کنیم:

<http://1nega.free.fr>

تسلیت

همکار گرامی جناب آقای حسین مادرشاهی با نهایت تأسف و تأثر، غم و اندوه از دست دادن مادر عزیزتان را به شما تسلیت گفته و صبر و بردباری برای شما و خانواده گرامیتان آرزومندیم. انجمن تاکسیران

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران K'SI برگزار می‌گردد.
59, bd Paul Vaillant Couturier
94200 Ivry-sur-Seine
حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت می‌کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه مارس شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۲ ماه مارس

مکان: Restaurant K'SI

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱- سخن هیئت مدیره

۲- برگزاری روز جهانی زن

۳- بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می‌افزاید.

موفق و پیروز باشید

پرواز نکرده، سوختش پر

رفت آن هوس و امید بر باد

آمد شب و تیره گشت لانه

وان رفته نیامد از سفر باز

کوشید فسونگر زمانه

کاز پرده برون نیفتد این راز

طفلان بخیال آب و دانه

خفتند و نخاست دیگر آواز

از بامک آن خانه بلند

کس روز عمل نکرد پرواز

یکباره برفت از میانه

آن شادی و شوق و نعمت و ناز

زان گمشدگان نکرد کس یاد

آن مسکن خرد پاک ایمن

خالی و خراب ماند فرجام

افتاد گلش ز سقف و روزن

خار و خسکش بریخت از بام

آرامگهی نه بهر خفتن

بامی نه برای سیر و آرام

بر باد شد آن بنای روشن

نابود شد آن نشانه و نام

از گردش روزگار توسن

وز بدسری سپهر و اجرام

دیگر نشد آن خرابی آباد

شد ساقی چرخ پیر خرسند

پردید ز خون چو ساغری را

دستی سر راه دامی افکند

پیچاند به رشته‌ای سری را

جمعیت ایمنی پراکند

شیرازه درید دفتری را

با تیشه ظلم ریشه‌ای کند

بربست ز فتنه‌ای دری را

خون ریخت بکام کودکی چند

برچید بساط مادری را

فرزند مگر نداشت صیاد؟

* پست، زبون، غمگین

** خندق کم عرضی که دور مزارع می‌کنند